



**عدالت جنسیتی و توسعه پایدار انسانی
(محورها و چالش‌ها)**

ناظر علمی:

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

تهیه و تدوین:

مهرناز امین آقائی و مرضیه مشتاقیان

عنوان: عدالت جنسیتی و توسعه پایدار انسانی (محورها و چالش‌ها)

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هرگونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است

فهرست مطالب

۲	مقدمه.....
۳	شاخصهای جنسیتی در اسناد بین‌المللی و وضعیت ایران با توجه به رویکرد بین‌المللی.....
۶	مطالبات و انتظارات زنان و جامعه ایرانی.....
۸	دشواری تعریف عدالت جنسیتی.....
۱۲	پیوند سیاستگذاری جدید جنسیتی با سیاستگذاریها و برنامههای توسعه پیشین.....
۱۵	نتیجه گیری.....

مقدمه

در حالی که یکی از عرصه‌های رقابت جهانی افزایش حضور جدی زنان در میادین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است، در جامعه ایرانی مشارکت زنان در توسعه به عنوان عاملان و ذی‌نفعان، همچنان از مباحث چالش برانگیز است. این چالش به مفهوم-سازی، شاخص‌سازی و سنجش مفاهیمی که وضعیت زنان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و همچنین به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ارتقاء وضعیت زنان کشیده می‌شود.

جامعه جهانی مفهوم «برابری جنسیتی»^۱ را مورد تأکید قرار می‌دهد. در اسناد بین‌المللی و رویه‌های حقوق بشری بر مقابله با نابرابری جنسیتی با هدف تحقق برابری جنسیتی در تمام شئون فردی، خانوادگی و اجتماعی میان زنان و مردان تأکید شده است ولی این رویکرد به طور کامل مورد پذیرش و قبول همه اعضای جامعه بین‌المللی از جمله برخی دولت‌های اسلامی قرار نگرفته است. طی سال‌های اخیر تلاش قابل توجهی در جهت طرح و تبیین مفهوم «عدالت جنسیتی» به عنوان جایگزین برابری جنسیتی صورت گرفته است. هیات ایرانی در اجلاس پکن (۱۹۹۵)، نیز برای اولین بار اعلام نمود که مفهوم عدالت را به جای برابری به کار خواهد گرفت. این مفهوم از عدالت جنسیتی بر رفع تبعیض‌ها تأکید دارد و وامدار اندیشه و تفکر اسلامی است که تساوی حقوق زن و مرد را پذیرا اما تشابه آن را مردود می‌داند.

در صورتی که بخواهیم تعریفی اولیه از عدالت جنسیتی ارائه دهیم می‌توانیم آن را ذیل مفهوم عدالت اجتماعی قرار دهیم. عدالت به معنای دادگری، گذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد مطرح شده است و عمل عادلانه عملی است که هر کس را در هر مرتبه‌ای که شایسته اوست، حفظ کند. مفهوم جنسیت^۲ نیز به نقش‌های اجتماعی برای زنان و مردان دلالت دارد. با جمع دو عبارت عدالت و جنسیت می‌توان نتیجه گرفت که معنای «عدالت جنسیتی» یعنی دادگری و انصاف برقرار کردن در مورد تمام ابعاد نقش‌های اجتماعی‌ای که در طول زمان به زنان و مردان داده می‌شود.

جامعه جهانی با توجه به رویکرد برابری جنسیتی، شاخص‌هایی را به منظور سنجش وضعیت زنان در عرصه‌های مختلف، ارائه و در بین کشورهای جهان مورد سنجش هر ساله قرار می‌دهد، اما به نظر می‌رسد تعریف، شاخص‌سازی و سنجش مفهوم عدالت جنسیتی مورد تأکید دول اسلامی به دلیل سوء برداشت و سوء تفاهمی که از مفهوم جنس و جنسیت و به تبع آن یکی پنداشتن برابری جنسی با برابری جنسیتی در این کشورها وجود دارد، همچنان دشواری‌های نظری و عملی بسیاری را پیش رو دارد که موانعی را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ارتقاء جایگاه زنان فراهم می‌سازد.

به نظر می‌رسد آگاهی به چند مسئله در شفاف‌سازی موقعیت دشوار سیاست‌گذاری جنسیتی در ایران لازم و ضروری است. نخست این که مبتنی بر رویکرد برابری جنسیتی و شاخص‌های جنسیتی بین‌المللی، ایران در بین کشورهای جهان چه

^۱ Gender equality

^۲ gender

جایگاهی دارد؟ اهمیت این مسئله که در بخش اول گزارش پیش‌رو به آن پرداخته شده است، از آن رو است که خواه ناخواه یکی از معیارهای ارزیابی وضعیت زنان ایرانی در سطح جوامع بین‌المللی همین شاخص‌های فراگیر است.

دومین مسئله این است که مطالبات و انتظارات زنان ایرانی و دغدغه آنان معطوف به چه مسائل و مشکلاتی است؟ با توجه به این که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بدون شناخت جامعه هدف مقدور و میسر نیست، در بخش دوم این گزارش به طرح این مسئله با توجه به نتایج تحقیق میدانی «مسائل زنان و مطالبات آنان از دولت و نهادهای مسئول» مبادرت شده است.

سومین و مهمترین مسئله این است که چه تعاریف و تعابیری از عدالت جنسیتی در آراء و اندیشه متفکران دینی، و صاحب‌نظران دانشگاهی، وجود دارد و چه برداشتی از عدالت جنسیتی قابلیت پذیرش، سنجش، و برنامه‌ریزی آتی را دارد، معطوف به نیاز جامعه هدف است و با کمترین تنش قابلیت اجرا را خواهد داشت؟ این مسئله در قسمت سوم گزارش مورد بحث قرار می‌گیرد.

و در نهایت چهارمین مسئله این است که رویکرد عدالت جنسیتی به عنوان محور سیاست‌گذاری جنسیتی جدید چه پیوندی با سیاست‌گذاری‌های جنسیتی گذشته در کشور خواهد داشت.

شاخص‌های جنسیتی در اسناد بین‌المللی و وضعیت ایران با توجه به رویکرد بین‌المللی

رویکرد برابری فرصت‌ها، بارها در اسناد و برنامه‌های بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است. به طور مثال بخشی از سند دستور کار توسعه پایدار پس از ۲۰۱۵ که با عنوان *SDG* از آن نام برده می‌شود نیز به بحث برابری جنسیتی اختصاص دارد. در این سند کشورهای عضو متعهد شدند تا سال ۲۰۱۵ به ایجاد یک فرآیند بین‌الدولی فراگیر، شفاف و باز برای تمام ذینفعان درخصوص اهداف توسعه پایدار با رویکرد گسترش و بسط اهداف جهانی توسعه پایدار، توافق شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اقدام نمایند. آرمان پنجم از آرمان‌های هفده‌گانه این سند به «تأمین برابری جنسیتی و توانمند کردن همه زنان و دختران» اشاره دارد،^۳ و اهداف ذیل را مورد تأکید قرار می‌دهد:

- ✓ پایان دادن به تمام اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا
- ✓ از بین بردن تمام اشکال خشونت علیه زنان و دختران در عرصه عمومی و خصوصی، شامل قاچاق انسان، خشونت جنسی و انواع دیگر سوء استفاده
- ✓ از بین بردن تمام رفتارهای آسیب‌زننده، مانند ازدواج زودرس کودکان و ازدواج اجباری و ختنه زنان
- ✓ شناسایی و ارزشگذاری کار بدون مزد و خانگی از طریق فراهم آوردن خدمات عمومی و زیرساختها و سیاست‌های حمایت اجتماعی، و ترویج مسئولیت مشترک در داخل خانوار و خانواده

^۳http://www.undp.org/content/undp/en/home/mdgoverview/mdg_goals/post-2015-development-agenda.html

✓ تضمین مشارکت کامل و موثر زنان و فرصت‌های برابر برای رهبری در تمام سطوح تصمیم‌گیری در زندگی سیاسی، اقتصادی و مدنی.

✓ اطمینان از دسترسی جهانی به سلامت جنسی و باروری و حقوق باروری در راستای برنامه عمل *ICPD* و برنامه عمل پکن با انجام

○ اصلاحات برای حقوق برابر زنان در دسترسی به منابع اقتصادی، همچنین دسترسی به مالکیت و کنترل بر زمین و اشکال دیگر مالکیت، خدمات مالی، ارث، و منابع طبیعی بر مبنای حقوق ملی

○ افزایش استفاده از تکنولوژی‌ها، به خصوص *ICT*، برای توانمندسازی زنان و

○ اتخاذ و تقویت سیاست‌های موثر و قوانین قابل اجرا برای ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران در همه سطوح

شاخص‌های متعددی نیز در زمینه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در سطح بین‌المللی تدوین شده است که شامل شاخص توسعه مرتبط با جنسیت (*GDI*)^۴، شاخص توانمندسازی جنسیتی (*GEI*)^۵، شاخص شکاف جنسیت (*GGI*)^۶، شاخص فرصت اقتصادی زنان (*WEOI*)^۷، شاخص برابری جنسیتی (*GEI*)^۸ و شاخص نابرابری جنسیتی (*GII*)^۹ می‌باشند. از آن جا که بحث در مورد تک‌تک شاخص‌های مزبور در این مجال ضرورت چندانی ندارد، صرفاً به منظور نشان دادن جایگاه ایران در شاخص‌های جنسیتی جهانی به اجمال شاخص نابرابری جنسیتی سال ۲۰۱۵ با توجه به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل و همچنین شاخص شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۴ مجمع جهانی اقتصاد بررسی شده است.

شاخص نابرابری جنسیتی، محرومیت زنان را در سه بعد سلامت (بهداشت باروری)، توانمندسازی و بازار کار، منعکس می‌سازد و تفسیر آن، درصد خسارت وارد به توسعه انسانی بالقوه به دلیل نابرابری جنسیتی در ابعاد مورد سنجش است. دامنه این شاخص بین ۰ (برابری زنان و مردان) تا ۱ (محروم‌تر بودن زنان در همه ابعاد مورد سنجش)، قابل تغییر است و بنابراین شاخص نابرابری جنسیتی بزرگتر نشان‌دهنده دستاوردهای کمتر است. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ توسعه انسانی، میانگین شاخص نابرابری جنسیتی جهان در سال ۲۰۱۴، در بین ۱۵۵ کشور جهان ۰/۴۴۹ می‌باشد. ایران در شاخص توسعه انسانی بین ۱۸۸ کشور، رتبه ۶۹ و در شاخص نابرابری جنسیتی بین ۱۵۵ کشور، رتبه ۱۱۴ را داراست. میزان شاخص نابرابری جنسیتی ایران، ۰/۵۱۵ و بدین معناست که خسارت وارد به توسعه انسانی بالقوه از جانب نابرابری جنسیتی در ۳ حوزه سلامت، بازار کار و توانمندسازی

^۴Gender Development Index

^۵Gender Empowerment Index

^۶Gender Gap Index

^۷Women's Economic Opportunity Index

^۸Gender Equality Index

^۹Gender Inequality Index

به درصد قابل توجه ۵۱/۵ می‌رسد. در تقسیم‌بندی چهارگانه سطوح توسعه انسانی، ایران در رده کشورهای دارای سطح توسعه انسانی بالا قرار دارد، اما میزان شاخص نابرابری جنسیتی ایران نه تنها در مقایسه با این گروه (۰/۳۱۰)، بلکه از گروه دارای توسعه انسانی متوسط (۰/۵۰۶) نیز بیشتر است. در بین ۱۹ کشور منطقه، ایران نه تنها از برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس (امارات، کویت، بحرین، عمان و عربستان)، بلکه از همسایگان شمالی (ارمنستان، آذربایجان، ترکیه)، و کشورهای تونس، لیبی، الجزایر، و لبنان نیز میزان بالاتری از شاخص نابرابری جنسیتی را نشان می‌دهد و صرفاً از کشورهای قطر، پاکستان، عراق، عربستان، سوریه، افغانستان و یمن وضعیت مطلوب‌تری دارد.^{۱۰}

مجمع جهانی اقتصاد نیز^{۱۱} از سال ۲۰۰۶ تا کنون به ارائه گزارش شاخص شکاف جنسیتی جهانی پرداخته است. این شاخص، فاصله بین مردان و زنان را در چهار بعد اساسی سلامت، آموزش، مشارکت اقتصادی و مشارکت در قدرت سیاسی مطرح می‌کند و در حقیقت چارچوبی برای سنجش میزان نابرابری براساس جنسیت و تحولات آن در طول زمان بشمار می‌آید. مبتنی بر گزارش سال ۲۰۱۵، ایران با رفع ۵۸ درصد از شکاف جنسیتی در ابعاد مورد سنجش در بین ۱۴۵ کشور حائز رتبه ۱۴۱ می‌باشد.

باتوجه به جدول ۱، مشخص است که در گزارش سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ رفع شکاف جنسیتی در ایران بین حداقل ۵۸ تا حداکثر ۶۰ درصد در نوسان بوده است. در ایران رفع شکاف جنسیتی در موضوع مشارکت اقتصادی (حداکثر ۴۴/۴ درصد) و رفع شکاف جنسیتی مشارکت در قدرت سیاسی (حداکثر ۳/۷ درصد) در پایین‌ترین سطوح باقی مانده است و در تمام این دوره زمانی کمتر از میانگین جهانی است. اگر چه در گزارش سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ حداقل ۹۷ درصد شکاف جنسیتی در حوزه سلامت و ۹۵ درصد شکاف جنسیتی در آموزش رفع گردیده و در این دو بعد از میانگین جهانی وضعیتی بهتر را شاهدیم، اما افت رتبه ایران را می‌توان در هر چهار بعد مورد سنجش مشاهده کرد که صرفاً به افزایش تعداد کشورهای مورد بررسی مربوط نمی‌شود.^{۱۲} در مجموع تغییرات شاخص شکاف جنسیتی طی سال‌های ۲۰۰۶- تا ۲۰۱۵ فاقد روندی ثابت است و نوعی عقب‌گرد یا حداقل ایستایی از حدوداً میانه دهه گذشته در کاهش نابرابری‌های جنسیتی مشاهده می‌شود.

لازم به ذکر است در سایر شاخص‌های جنسیتی بین‌المللی، نیز تصویری مشابه از وضعیت نامطلوب زنان ایرانی به چشم می‌خورد که شایسته وجهه منطقه‌ای و جهانی ایران نمی‌باشد.

^{۱۰} United Nations Development Programme, ۲۰۱۵; Human Development Report ۲۰۱۵: Work for Human Development

^{۱۱} World Economic Forum

^{۱۲} گزارش شکاف جنسیتی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ مجمع جهانی اقتصاد، World Economic Forum.

جدول شماره ۱- روند تغییرات ابعاد چهارگانه شاخص شکاف جنسیتی ایران از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵

گزارش سال ۱۳	ارزش GGI	رتبه GGI	تعداد کشورها	مشارکت اقتصادی			آموزش			سلامت			مشارکت در قدرت سیاسی		
				ارزش	میانگین جهانی	رتبه	ارزش	میانگین جهانی	رتبه	ارزش	میانگین جهانی	رتبه	ارزش	میانگین جهانی	رتبه
۲۰۰۶	۰/۵۸۰	۱۰۸	۱۱۵	۰/۳۵۹	۰/۵۹۶	۱۱۳	۰/۹۵۴	۰/۹۳۹	۸۰	۰/۹۷۸	۰/۹۷۳	۵۲	۰/۳۱	۰/۱۳۸	۱۰۹
۲۰۰۷	۰/۵۹۰	۱۱۸	۱۲۸	۰/۳۹۵	۰/۵۷۷	۱۲۳	۰/۹۵۸	۰/۹۱۶	۹۰	۰/۹۷۸	۰/۹۵۸	۵۸	۰/۳۱	۰/۱۴۲	۱۲۲
۲۰۰۸	۰/۶۰۲	۱۱۶	۱۳۰	۰/۴۴۹	۰/۵۸۷	۱۱۸	۰/۹۶۵	۰/۹۲۹	۹۲	۰/۹۷۸	۰/۹۵۸	۶۰	۰/۱۷	۰/۱۶۳	۱۲۸
۲۰۰۹	۰/۵۸۳	۱۲۸	۱۳۴	۰/۳۷۷	۰/۵۹۴	۱۳۱	۰/۹۶۴	۰/۹۳۰	۹۶	۰/۹۷۸	۰/۹۶۰	۶۳	۰/۱۷	۰/۱۶۹	۱۳۲
۲۰۱۰	۰/۵۹۳	۱۲۳	۱۳۴	۰/۴۲۶	۰/۵۹۰	۱۲۵	۰/۹۵۹	۰/۹۲۹	۹۶	۰/۹۷۱	۰/۹۵۵	۸۳	۰/۱۷	۰/۱۷۹	۱۲۹
۲۰۱۱	۰/۵۸۹	۱۲۵	۱۳۵	۰/۴۴۴	۰/۵۸۸	۱۲۵	۰/۹۵۲	۰/۹۳۰	۱۰۵	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۸۵	۰/۱۷	۰/۱۸۵	۱۳۰
۲۰۱۲	۰/۵۹۳	۱۲۷	۱۳۵	۰/۴۱۲	۰/۵۹۹	۱۳۰	۰/۹۵۳	۰/۹۳۲	۱۰۱	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۸۷	۰/۳۵	۰/۱۹۵	۱۲۶
۲۰۱۳	۰/۵۹۳	۱۳۰	۱۳۶	۰/۳۵۶	۰/۵۹۹	۱۳۰	۰/۹۷۱	۰/۹۳۲	۹۸	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۸۷	۰/۳۴	۰/۱۹۵	۱۲۹
۲۰۱۴	۰/۵۸۱	۱۳۷	۱۴۲	۰/۳۵۸	۰/۵۹۹	۱۳۹	۰/۹۵۲	۰/۹۳۲	۱۰۴	۰/۹۷۴	۰/۹۵۶	۸۹	۰/۱۰	۰/۱۹۵	۱۳۵
۲۰۱۵	۰/۵۸۰	۱۴۱	۱۴۵	۰/۳۵۷	۰/۵۹۲	۱۴۱	۰/۹۵۴	۰/۹۴۶	۱۰۶	۰/۹۷۱	۰/۹۵۷	۹۹	۰/۳۷	۰/۲۳۰	۱۳۷

مطالبات و انتظارات زنان و جامعه ایرانی

با توجه به لزوم شناخت مطالبات و انتظارات جامعه هدف به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، در این بخش به طرح بخشی از نتایج تحقیق میدانی که در سال ۱۳۹۴ با حمایت معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری انجام شده است، می‌پردازیم:

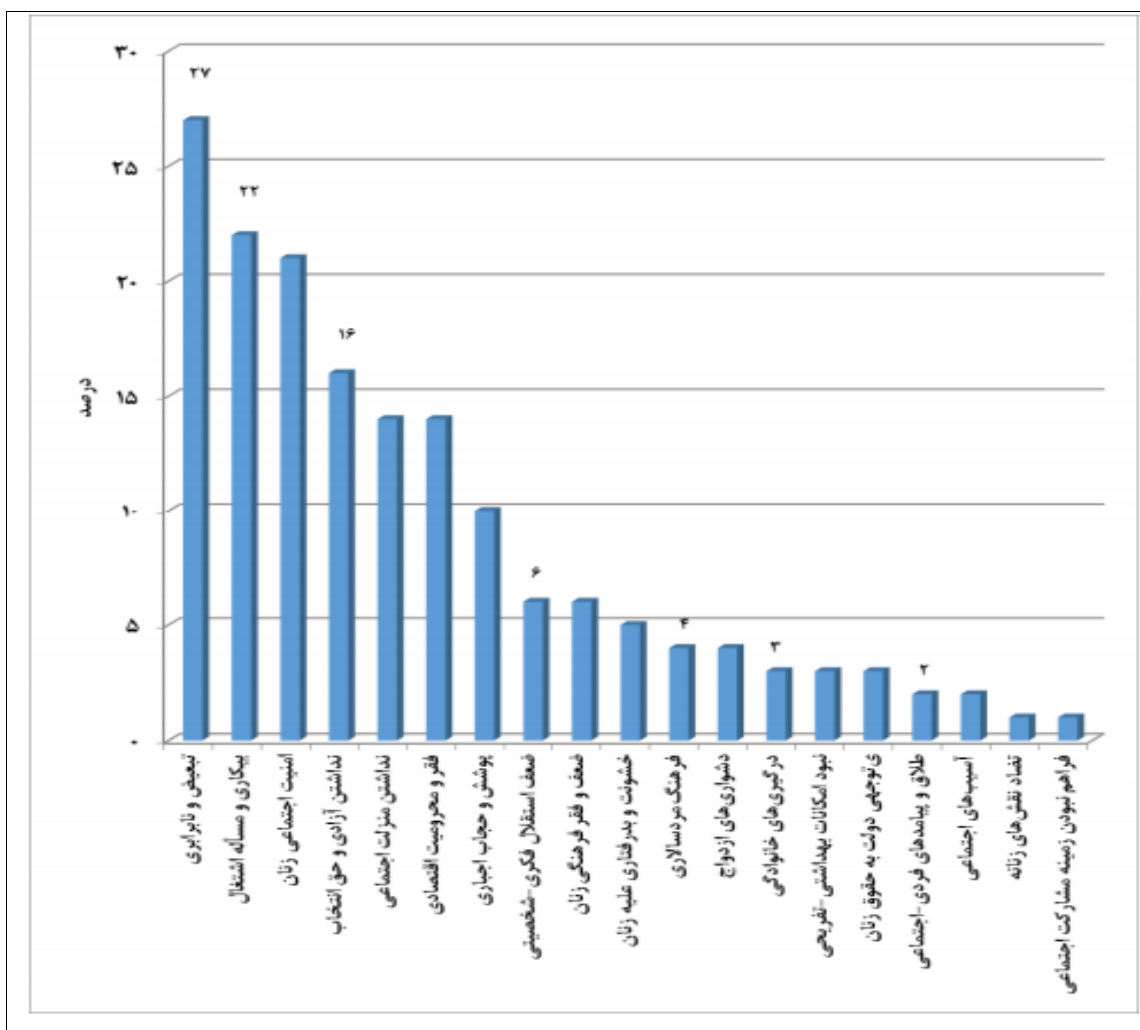
از دیدگاه زنان در سطح عام، موضوعات تبعیض و نابرابری (۲۷٪)، بیکاری و مساله اشتغال (۲۲٪)، امنیت اجتماعی (۲۱٪) عمده ترین مشکلات زنان ایران هستند. نداشتن آزادی و حق انتخاب (۱۶٪)، نداشتن منزلت اجتماعی (۱۴٪)، فقر و محرومیت اقتصادی (۱۴٪) و پوشش (۱۰٪) در رتبه های بعدی قرار دارند. نمودار ۱ مشکلات زنان مورد مطالعه در هشت استان نمونه کشور را نشان می‌دهد.

در پاسخ به این پرسش که آیا خود شما یا کسی از افراد خانواده با مشکلاتی که در بالا ذکر شد، مواجه شده‌اند، موارد زیر از اولویت برخوردار بوده‌اند: بیکاری و مساله اشتغال (۱۹٪)، تبعیض و نابرابری (۱۵٪)، امنیت اجتماعی (۱۰٪)، فقر و محرومیت اقتصادی (۱۰٪)، نداشتن آزادی و حق انتخاب (۹٪)، پوشش و حجاب اجباری (۷٪) و خشونت و بدرفتاری علیه زنان (۷٪).

وقتی موضوع در سطح تجربه‌های عینی و ملموس و مواجهه شخصی زنان با محرومیت‌ها مطرح می‌شود، اصلی‌ترین مشکل زنان «نداشتن آزادی و حق انتخاب» است. این مشکل در میانگین کل بین آن بخش از زنان که گفته‌اند با مشکل مواجه هستند، ۲۶ درصد فراوانی دارد.^{۱۴}

۱۳ گزارش شکاف جنسیتی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ مجمع جهانی اقتصاد، *World Economic Forum*
 ۱۴ گرانپایه (۱۳۹۴)، طرح پژوهشی مسائل زنان و مطالبات آنان از دولت و نهادهای مسئول، تهران: معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

نمودار شماره ۱- مشکلات زنان- نتیجه تحقیق میدانی با جامعه هدف زنان



در همین تحقیق، اولویت ها و انتظارات زنان از دولت آقای روحانی نیز به ترتیب عبارتند از: اقدام های اقتصادی، اصلاح قوانین، اقدام های فرهنگی، تامین امنیت اجتماعی زنان، دفاع از آزادی های اجتماعی زنان، اصلاح ساختار اجرایی، ایجاد فضاهای آموزشی و تفریحی و مقابله با آسیب های اجتماعی.^{۱۵}

در این بررسی نزدیک به نیمی از زنان ریشه مشکلات خود را فرهنگ و عرف جامعه اعلام نموده اند. وجه دیگری از ریشه مشکلات در نظام قانونی و حقوقی موجود است. قوانین و نظام حقوقی که در واقع شکل مشروعیت یافته فرهنگ و عرف جاری است، نیز از جانب بخش دیگری از زنان به عنوان ریشه مشکلات قلمداد می شود.^{۱۶}

۱۵ همان منبع

۱۶ همان منبع

از موارد فوق به خوبی می‌توان فهمید که موضوع تبعیض و نابرابری (اعم از حقوقی، قانونی، جنسیتی، آموزشی، شغلی و درآمدی) از دغدغه‌های اصلی زنان به شمار می‌رود، همچنین می‌توان پی‌برد که گسترده نیازها و انتظارات زنان از دولت و سیاستگذاران فراتر از شاخص‌های بین‌المللی جنسیتی است و صرفاً به چهار بعد مشارکت اقتصادی، سلامت، آموزش و مشارکت در قدرت سیاسی معطوف نمی‌شود بلکه معطوف به نظام حقوقی، و فرهنگی نیز می‌گردد. همچنین با توجه به پررنگ بودن مسئله اشتغال در یافته‌های تحقیق حاضر بی‌گمان چالش اصلی در برقراری عدالت جنسیتی نه در حوزه آموزش و یا سلامت بلکه در عرصه مشارکت اقتصادی رخ نموده و می‌نماید.

دشواری تعریف عدالت جنسیتی

همچنان که در مقدمه بحث مطرح شد، ایران به عنوان یک کشور اسلامی مفهوم عدالت جنسیتی را به عنوان جایگزین مناسب برابری جنسیتی مطرح کرده است. در فضای فرهنگی کشور بحث از عدالت جنسیتی در آراء متفکران دینی، و صاحب‌نظران دانشگاهی مطرح است و طیفی از تعابیر متفاوت را دربرمی‌گیرد.

طیف آراء متفکران دینی در این مورد به هیچ وجه یکدست نیست. مسأله اصلی مورد مناقشه این است که آیا تفاوت در جنسیت زن و مرد به گونه‌ای است که منجر به تفاوت حقوقی میان این دو شود یا خیر؟ مرتضی مطهری از جمله متفکرانی است که به این پرسش پاسخ آری می‌دهد. از نظر ایشان در اسلام زن و مرد هر دو انسانند و از حقوق انسانی متساوی بهره‌مندند. اما به این دلیل که یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند. و همین تفاوت تکوینی یا طبیعی ایجاد می‌کند از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها وضع مشابهی نداشته باشند. از نظر ایشان تساوی غیر از تشابه است. تساوی، برابری و امری کمی است و تشابه، یکنواختی و مسئله‌ای کیفی. همچنان که ممکن است پدری ثروت خود (خانه، ملک مزروعی و ...) را از لحاظ ارزش کمی به تساوی میان فرزندان خود تقسیم کند اما نه به طور متشابه، اسلام نیز مبتنی بر استعدادهای طبیعی متفاوت زن و مرد حقوق یکنواختی برای آنان قائل نشده، هر چند هرگز امتیاز و ترجیحی برای مردان نسبت به زنان نیز قائل نیست. در مجموع مبتنی بر نظر ایشان عدالت جنسیتی مبتنی بر اصل تساوی و نه تشابه حقوق و تکالیف زنان و مردان است. در مقابل این رویکرد به عدالت جنسیتی، روشنفکران دینی قرار دارند که اختلاف میان زن و مرد را که در شرع به اختلاف حقوقی کشیده می‌شود، اختلاف طبیعی قلمداد نمی‌کنند، بلکه حقوق متفاوت را مبتنی بر شرایط اجتماعی و فرهنگی می‌دانند.^{۱۷}

صاحب‌نظران دانشگاهی نیز متأثر از فضای گفتمان علمی و آکادمیک جهانی در زمینه مباحث جنسیتی سه رویکرد کلی را پشت سر گذاشته‌اند: رویکرد اول زنان را جزو گروه‌های آسیب‌پذیر می‌داند و به دنبال فقرزدایی از زندگی زنان است. این رویکرد تأکید دارد زنان باید به رفاه برسند تا بتوانند به نقش مادری و همسری خود بهتر بپردازند. رویکرد دوم زنان را امکان و وسیله‌ای برای تحقق اهداف جامعه می‌داند و معتقد است توجه به نقش تولیدکنندگی زنان با افزایش مشارکت اقتصادی آن‌ها، به رشد

۱۷ معصومه سادات حسنی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۳ تفاوت‌های جنسیتی از دیدگاه اسلام و فمینیسم

اقتصادی کمک می‌کند. در واقع، در این رویکرد بهبود وضعیت زنان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی کشور است. رویکرد سوم، رویکرد عدالت جنسیتی یا استراتژی نهادگراست. بررسی‌ها نشان دادند آسیب‌پذیر دانستن زنان، آن‌ها را از حقوق انسانی‌شان محروم می‌کند و تأکید بر نقش اقتصادی، زنان را به نیروی کار ارزان برای کارفرما تبدیل می‌نماید، اما رویکرد عدالت جنسیتی و استراتژی نهادگرا معتقد است باید زنان به عنوان عاملیت در توسعه و برخوردار از مواهب توسعه در نظر گرفته شوند. این رویکرد هم‌زمان به نقش مادری، نقش اقتصادی و نقش اجتماعی زنان توجه دارد و با حفظ حقوق طبیعی زن و مرد و درک تفاوت‌ها و مکمل بودن زن و مرد، محور خود را بر رفع تبعیض‌های جنسیتی قرار داده است.^{۱۸}

مأموریت این رویکرد این است که بین کار و زندگی زنان توازن ایجاد کند تا زنان در شرایطی قرار نگیرند که یکی از این نقش‌ها را قربانی نقش دیگر کنند. در این رویکرد، تحول کلی در نهادها و هنجارها و قواعد حقوقی برای رسیدن به اهداف مدنظر است و بهبود وضعیت جامعه و خانواده در گرو بهبود وضعیت زنان است. همچنین اجرای طرح‌های خاص برای تأمین معاش زنان هدف نیست، بلکه فراهم آوردن فضای اجتماعی قابلیت‌زا برای دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکانات مدنظر است. اجرای این استراتژی، مسئولیت همه نهادهای حقوقی و سازوکارهای جامعه است. در حقیقت نظام جامعی شامل باورها، ارزش‌ها و سازمان‌های حقوقی باید درگیر مسایل زنان و خانواده شوند تا کاهش تبعیض‌ها به صورت نهادینه اتفاق بیفتد.^{۱۹}

عدالت جنسیتی را می‌توان تعدیل عدالت اجتماعی در حوزه جنسیت دانست. به عبارت دیگر، عدالت جنسیتی اشاره به مبنایی دارد که بر اساس آن، منابع و امکانات به صورت غیرتبعیض‌آمیز میان زنان و مردان تقسیم می‌شوند. اصول ۳، ۲۰، ۱۰، ۲۱، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ از قانون اساسی به مفهوم عدالت اجتماعی اشاره دارند که به طور یقین تحقق عدالت اجتماعی و زیربخش آن عدالت جنسیتی نیز تحت لوای این اصول می‌بایست به عنوان یک راهبرد مهم مورد توجه قرار گیرد.

به منظور آن که مفهوم عدالت جنسیتی بتواند به موضوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل شود نیاز به آن است که گستره این مفهوم، و وجوه اشتراک، افتراق، و رابطه آن با مفهوم برابری جنسیتی روشن شود. همچنین اگر چه رفع تبعیض بین زنان و مردان به عنوان رکن اصلی عدالت جنسیتی مطرح است اما مجدداً مفهوم تبعیض و گستره آن نیازمند تعریف و رفع ابهام است. تا زمانی که رابطه مفاهیم برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی از لحاظ مفهومی و سنجش از یکدیگر تفکیک نگردند، عملاً در طرح مسائل جنسیتی به عنوان مفاهیمی مشابه و هم تراز تلقی می‌شوند. برای مثال عدم همخوانی جدی در نرخ مشارکت زنان و مردان در قدرت سیاسی را می‌باید به عنوان نوعی نابرابری جنسیتی، بی‌عدالتی جنسیتی یا تبعیض جنسیتی لحاظ کرد؟

چالش دیگری که سیاست‌گذاری جنسیتی با آن مواجه است شناسایی محورهای مورد تأکید در سیاست‌گذاری است. شاخص‌های جنسیتی بین‌المللی ۴ حوزه بهداشت و سلامت، آموزش، مشارکت اقتصادی و دستیابی به قدرت سیاسی را به دلیل سهولت سنجش در سطح کشورهای جهان بر مبنای نرخ‌های و آمارهای موجود مورد توجه قرار می‌دهند. وضعیت نامطلوب

۱۸ برداشت از گزارش «بررسی وضعیت زنان»، ۱۳۹۴، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، معاونت بررسی‌های راهبردی

۱۹ همان منبع

ایران در شاخص‌های بین‌المللی جنسیتی بویژه در دو بعد مشارکت در قدرت سیاسی و مشارکت اقتصادی توجه سیاست‌گذاران را به این ابعاد چهارگانه معطوف می‌سازد اما سیاست‌گذاری جنسیتی در سطح یک کشور محدود به این چهار محور نخواهد بود.

– محور بهداشت و سلامت

سلامت زنان حاصل تاثیرگذاری جنسیت در بیماری و سلامت دانسته شده و تعریف آن دربرگیرنده دامنه وسیعی از مسایل روانی و اجتماعی و زیست‌شناختی زنان می‌باشد.^{۲۰} طی دو دهه اخیر با ارتقای شاخص‌های توسعه، ساخت و ترکیب جامعه ایران پذیرای سطح نازل تری از زاد و ولد شده و باروری زنان بسیار کاهش یافته و همچنان با کاهش تدریجی همراه است. همچنین میزان‌های مرگ و میر نیز سیر کاهنده‌ای را داشته است.

مرور شاخص‌های سلامت به خوبی نشان می‌دهد که وضعیت سلامت و بهداشت زنان در یک دهه گذشته بهبود پیدا کرده است و نسبت به سلامت زنان در کشورهای منطقه از وضعیت مناسبی برخوردار هستند.

در حوزه بهداشت شیوع سبک زندگی نامناسب مرتبط با سلامت مانند کم‌تحرکی، تغذیه نامناسب، استرس زیاد، الگوهای کار و فراغت، اضطراب و غیره در بین زنان، فقدان نقشه جامع سلامت مبتنی بر مستندات برای ارتقای سلامت زنان و کم‌توجهی به آموزش‌های فراگیر رسمی بهداشت بلوغ و بهداشت جنسی خانواده و گسترش روزافزون رفتارهای پرخطر جنسی در بین زنان از جمله مشکلات نیازمند سیاست‌گذاری جنسی تلقی می‌شود.

– محور مشارکت در فعالیت اقتصادی

با توجه به دشواری‌های تأمین هزینه‌های فزاینده زندگی بویژه در جامعه شهری، ارتقاء سطح اطلاعات مردم نسبت به نحوه زندگی در سایر کشورها و تلاش پدر و مادرها برای فراهم آوردن امکان آموزش بیشتر، تغذیه بهتر و تأمین زندگی و آینده فرزندان، اشتغال یک عضو خانواده برای تأمین نیازها و پاسخگویی به چنین انتظاراتی نمی‌تواند کافی باشد. بنابراین این باور که مردان تنها نان‌آوران خانواده باید باشند نه تنها فشار اقتصادی و روانی سنگینی بر مردان تحمیل می‌کند و کمکی به ارتقاء کیفیت زندگی خانواده نمی‌نماید، بلکه دیگرامکان‌پذیر نیز نیست. همراه با این فشار اقتصادی بر خانواده به منظور اشتغال زنان، شاهد تغییر در نگرش نسبت به کار بیرون از خانه زنان و موافقت بیش از پیش با آن هم در بین زنان و هم مردان هستیم.^{۲۱}

با این وجود بر پایه داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان کشور در طی دهه‌های گذشته تغییر چندانی نداشته و با افت و خیزهایی، کمی کمتر یا بیشتر از ۱۵ درصد باقی مانده است.^{۲۲} بی‌کاری زنان دانش‌آموخته نیز از وجوه برجسته مشکلات زنان در دهه‌های اخیر است. طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ میزان بیکاری مردان و زنان دانش‌آموخته با افزایش همراه

۲۰ احمدنیا، شیرین (۱۳۹۴)، سلامت جسمی و بهداشت باروری زنان در ایران، تهران: نشر نی

۲۱ مقدمه گزارش وضعیت زنان در بازار کار (۱۳۹۴)، معاونت بررسی‌های راهبردی امور زنان و خانواده خانواده

۲۲ نداد قره‌خانی (۱۳۹۴) گزارش وضعیت زنان در بازار کار، معاونت بررسی‌های راهبردی امور زنان و خانواده خانواده

بوده ولی این افزایش برای زنان تحصیل کرده بیش از دو برابر مردان تحصیل کرده است. افزایش میزان بیکاری زنان با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشتر از زنان با مدرک کاردانی و دکترا است.^{۲۳}

در چنین شرایطی که هم آمارهای بین‌المللی جنسیتی، هم انتظارات جامعه زنان و هم مطالبات اقتصادی خانواده خواستار مشارکت اقتصادی بیشتر زنان است، چالش سیاست‌گذاری جنسیتی در این عرصه ایجاد تعادل و توازن بین نقش خانوادگی زنان و مشارکت اقتصادی آنان است تا نه نقش زنان در خانواده آنان را از پویایی اقتصادی بازدارد، نه فعالیت اقتصادی بار مضاعفی بر زنان تلقی شود و نه حضور زنان در فعالیت اقتصادی صرفاً نیروی کار ارزانی برای کارفرمایان فراهم سازد.

به منظور آن که اشتغال زنان منجر به کمرنگ شدن نقش مادری و همسری نگردد و یا به فشار ناشی از تعارض نقش در زنان نینجامد نیاز به وجود چارچوب قانونی برای ایجاد موازنه کار و خانواده برای تسهیل حضور زنان در جامعه است که باید در سیاست‌گذاری جنسیتی مورد توجه قرار گیرد.

همچنین سیاست‌گذاری جنسیتی نمی‌تواند بر تبعیض جنسیتی نسبت به زنان خانه‌دار چشم‌پوشی کند. در هیچ یک از داده‌ها و آمارهای رسمی اثری از اقتصاد منزل مانند غذا پختن و نظافت ویا نقش مراقبتی زنان از کودکان و سالمندان نیست. ترابی (۱۳۷۱) محاسبه کرده است که فعالیت طبخ غذا در منزل توسط زنان معادل ۲۰۴۸ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت و حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور در سال مذکور است. با توجه به این که سهم ارزش افزوده بخش نفت در تولید ناخالص داخلی کشور در آن دوره حدود ۱۵ تا ۱۹ درصد بوده، می‌توان عنوان کرد که سهم فعالیت‌های زنان در زمینه فقط طبخ غذا کمتر از سهم نفت در کل اقتصاد نیست.^{۲۴} بنابراین به مکانیزمی برای ارزیابی اقتصادی و درک اهمیت آن در کاهش هزینه‌های خانواده و اقتصاد غیرپولی نیاز است.

– محور آموزش

بر اساس تعریف یونسکو (UNESCO) نسبت دختران به پسران در هر مقطع تحصیلی، شاخص عدالت جنسیتی را بدست می‌دهد که اگر برابر ۰/۹۷ تا ۱/۰۳ باشد نشان از عدالت جنسیتی آموزشی در جامعه دارد. بر اساس این شاخص در ایران در دوره ابتدایی عدالت جنسیتی محقق شده است اما در دوره راهنمایی این شاخص به حدود ۰/۷۵ می‌رسد که نشان دهنده بازماندن بیشتر دختران نسبت به پسران از تحصیل در این مقطع است. در دوره متوسطه این شاخص متعادل‌تر می‌شود و پیش‌دانشگاهی تنها مقطعی است که دختران بیش‌تر از پسران حضور دارند. بر این مبنا سیاست‌گذاری جنسیتی به منظور بهبود این شاخص در مقطع راهنمایی لازم به نظر می‌رسد.

۲۳ کاظمی پور، شهلا (۱۳۹۴) وضعیت حال و آینده نیروی کار و اشتغال، مجموعه مقالات دومین همایش ملی زنان، اعتدال و توسعه، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۲۴ مقدمه گزارش وضعیت زنان در بازار کار (۱۳۹۴)، معاونت بررسی‌های راهبردی امور زنان و خانواده خانواده

همچنین یکی از چالش‌هایی که سیاست‌گذاری جنسیتی با آن مواجه است عدم جذب زنان دارای تحصیلات دانشگاهی در بازار کار است که در قسمت قبل نیز به آن اشاره شد. در واقع سیاست موفق‌گسترش کمی آموزش عالی در سال‌های گذشته و سخت‌کوشی دختران برای استفاده از تنها فرصت فراهم شده، هم‌اکنون با نرخ بیکاری فزاینده در میان دختران، به منبعی برای ناپایداری روانشناختی و اجتماعی دختران جوان تبدیل شده و آموزش عالی نقش تعیین‌کننده خود را در تحرک اجتماعی و ارتقاء پایگاه زنان در جامعه از دست داده است.^{۲۵} در چنین شرایطی شناخت عوامل دخیل در این وضعیت و بهبود این شرایط همچنین شناسایی و ترویج آموزش‌های مهارتی و فنی منطبق با نیاز بازار کار برای زنان لازمه عدالت جنسیتی تلقی می‌شود.

علاوه بر این هرچند به نظر می‌رسد در مجموع عدالت جنسیتی در کسب آموزش دچار مشکل جدی نیست اما در فرایند انتقال دانش (کادر آموزشی تمام وقت و پاره وقت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی) همچنان زنان در اقلیت هستند. در فرایند تولید دانش نیز (مبتنی بر نتایج آمارگیری از واحدهای تحقیق و توسعه) وضعیت مشابهی را شاهدیم.

- محور مشارکت در فعالیت قدرت سیاسی

در مورد مشارکت زنان در قدرت سیاسی نیز شاهد تبعیض علیه زنان هستیم. جمهوری اسلامی از بدو تاسیس در چارچوب جمهوریت نظام، ساختار انتخاباتی را به رسمیت شناخته و به آرای مردم رجوع کرده است اما با وجود گذشت بیش از ۳۵ سال از تشکیل اولین مجلس شورای اسلامی و ده دوره انتخابات، تعداد اندکی از کرسی‌های پارلمان به زنان سپرده شده است. به گونه‌ای که این تعداد اندک هرگز قادر به نمایندگی نیمی از جمعیت کشور نبوده است. این در حالی است که همسایگان ما در ترکیه، عراق، پاکستان و افغانستان در وضعیتی به مراتب بهتر قرار دارند.^{۲۶} این وضعیت حاصل انفعال جامعه زنان نیست. در تحقیق میدانی معاونت زنان و خانواده با عنوان مسایل و انتظارات زنان ایران، به خوبی مشخص شد که ۸۷ درصد از زنان از جمعیت نمونه، نگرشی مثبت به مشارکت سیاسی زنان دارند. نگرشی که به معنای برخورداری از حق و توانایی مدیریت زنان در سطوح عالی نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور است. دگرگونی در نگرش زنان به مشارکت سیاسی را میتوان مقدمه فعالیت‌ها و کنش‌های موثر آنان در فرایندهای سیاست‌ورزی در جامعه و مشارکت رسمی سیاسی ارزیابی کرد.^{۲۷}

پیوند سیاست‌گذاری جدید جنسیتی با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه پیشین

در زمینه برنامه‌های توسعه، در ایران ۵ برنامه قبل و ۵ برنامه بعد از انقلاب تدوین شده است و برآیند اجرای این ۱۰ برنامه آن‌چنان که باید و شاید در تحقق توسعه متوازن و عدالت اجتماعی موفق نبوده است. در حوزه زنان متأثر از وضعیت کلی جامعه، رویکردهای متفاوت و حتی متناقضی در برنامه‌های ۵ ساله وجود داشته است.

۲۵ نداد قره خانی (۱۳۹۴) گزارش وضعیت زنان در بازار کار، معاونت بررسی‌های راهبردی امور زنان و خانواده خانواده
۲۶ مقصودی، مجتبی و سیمین حاجی پور (۱۳۹۴) مشارکت سیاسی زنان در فرایند تصمیم‌گیری پارلمانی با تأکید بر گفتمان اعتدال‌گر، مجموعه مقالات دومین همایش ملی زنان، اعتدال و توسعه، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۷ گرانپایه (۱۳۹۴)، طرح پژوهشی مسایل زنان ایران، تهران: معاونت امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری

اگر بپذیریم فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور عرصه تقابل دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است؛ یکی از موارد منازعه این دو گفتمان، مسئله زن و خانواده بوده است که در برنامه سوم و چهارم توسعه منسوب به گفتمان اصلاح‌طلب و برنامه پنجم توسعه منسوب به گفتمان اصول‌گرا خود را نشان داده است. گفتمان اصلاح‌طلب مدعی ارائه قرائتی دموکراتیک از اسلام است و در حوزه توسعه جنسیتی، تلفیقی از رویکردهای «توانمندسازی» و «جنسیت و توسعه» را نمایندگی می‌کند. این گفتمان بر اهمیت نقش مستقل زن در جامعه و خانواده تأکید دارد، و حاشیه‌نشینی زنان از عرصه‌های اجتماعی بواسطه اهمیت خانواده را پذیرا نیست. در مقابل گفتمان اصول‌گرا، با رویکرد اجتهاد دینی، مدعی قرائتی ناب از اسلام است و رویکرد خانواده-گرایی را در حوزه مسائل زنان و خانواده، برگزیده است و بر اهمیت خانواده و ترسیم نقش زن به عنوان عنصر کانونی نهاد خانواده تأکید دارد؛ به گونه‌ای که حضور و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان را در راستای نقش زن در خانواده و تحکیم خانواده متصور می‌داند.^{۲۸}

در گفتمان توسعه اصلاح‌طلب، «توانمندسازی» و «ارتقاء کیفیت زندگی» زنان و در گفتمان اصول‌گرا، «توانمندسازی زنان در حاشیه اصل تحکیم خانواده» و «فرهنگ عفاف و حجاب» دو محور اساسی برنامه‌های مرتبط با زنان را تشکیل می‌دهد. «اصلاحات»، «اشتغال»، «آموزش»، و «گسترش سازمان غیردولتی» محورهای فرعی توانمندسازی زنان را دربرمی‌گیرد که در دو گفتمان رقیب تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. در جدول ۴، مبتنی بر تحلیل گفتمان کرمی قه‌بی (۱۳۹۱)، اهم تفاوت‌های برنامه‌های مرتبط با زنان در برنامه چهارم و پنجم توسعه ذکر شده است.

با توجه به جدول ۴ می‌توان ادعان داشت برنامه‌های توسعه جنسیتی در گفتمان اصلاح‌طلب در تمام ابعاد رویکردی رادیکال-تر داشته، به اقداماتی زیربنایی جهت رفع موانع حقوقی، قانونی، و فرهنگی واقف بوده، و با تأکید بر فرصت‌های برابر آموزشی و شغلی، برابری و شایسته‌سالاری را سرلوحه خود قرار داده است. همچنین با برجسته کردن وجه مدنی و سیاسی سازمان‌های غیردولتی نه صرفاً درصد ایجاد تغییرات از بالا به پایین که از پائین به بالا نیز بوده است. در مقابل برنامه توسعه جنسیتی گفتمان اصول‌گرا با برجسته‌سازی نقش‌های جنسیتی و اهمیت آن در تداوم خانواده و تأکید بر تفاوت‌های زن و مرد، آموزش متناسب با جنسیت را هدف قرار داده و هر چه بیشتر اشتغال رسمی و خارج از خانه زنان را به حاشیه رانده است.

۲۸ کرمی قه‌بی (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه، شماره ۱۳

جدول ۴: اهم تفاوت در برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور در حوزه زنان

برنامه پنجم (اصول گرا)	برنامه چهارم (اصلاح طلب)		
*بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به تحکیم خانواده (ماده ۲۳۰) *سامان‌دهی و اعتباربخشی به مراکز مشاوره جهت تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم خانواده (ماده ۴۳)	*اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شایستگی و توانایی زنان (بند الف ماده ۱۱۱) *بازنگری در قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی (بند الف ماده ۱۱۱)	اصلاحات	محور اول برنامه‌های توسعه جنسیتی (توانمندسازی)
*اشتغال خانگی و دورکاری زنان به عنوان برنامه‌هایی در جهت تحکیم خانواده، اخلاق در جامعه و همچنین رقیب الگوی اشتغال تمام وقت (بند ج ماده ۸۰)	*ارتقاء مهارت‌های شغلی و افزایش کارایی زنان از طریق آموزش ضمن خدمت (ماده ۵۴) *تساوی دستمزد مرد و زن در برابر کار هم‌ارزش (ماده ۱۰۱) *برابری فرصت‌های زنان و مردان (ماده ۱۰۱) *دستیابی زنان به فرصت‌های اشتغال مناسب از طریق برنامه ملی توسعه کار شایسته (ماده ۱۰۱) *شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اشتغال‌زا برای زنان (بندالف ماده ۱۱۱)	اشتغال	
*آموزش‌های متناسب با نقش یا جامعه‌پذیری جنسیتی (ماده ۱۵) *تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت (ماده ۱۹)	*گسترش مهارت‌ها، ارتقاء بهره‌وری و سرمایه نیروی انسانی به ویژه برای دختران (ماده ۵۲) *تقویت مهارت‌های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری (بند الف ماده ۱۱۱)	آموزش	
*تعریف حیطه توانایی‌ها و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی با فعالیت‌هایی در جهت تثبیت خانواده	* حمایت از ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل‌های زنان (بند د ماده ۱۱۱)	NGO	
.....	*اقدامات و تمهیدات قانونی و حقوقی جهت رفع خشونت علیه زنان (بند ج ماده ۱۱۱) *تنظیم لوایح تحکیم خانواده (بند ب ماده ۱۱۱) *ارتقاء احساس امنیت فردی و اجتماعی و حقوق انسانی در قالب تدوین منشور حقوق شهروندی (ماده ۱۰۰) *رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان و کودکان، ذیل منشور حقوق شهروندی (ماده ۱۰۰) *رعایت ارزش‌های فرهنگی و حفظ حرمت و منزلت خانواده در معماری مسکن (ماده ۶۲)	ارتقاء کیفیت زندگی زنان	
*حمایت از رده‌های مقاومت بسیج زنان در فعالیت‌های مربوط به توسعه فرهنگ عفاف و حجاب و تحکیم خانواده (ماده ۱۹۶) *تهیه و تدوین سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی (ماده ۲۲۷)	فرهنگ عفاف و	محور دوم برنامه‌های توسعه جنسیتی

برنامه ششم توسعه منسوب به گفتمان اعتدال خواهد بود. ماده ۲۶ لایحه احکام مورد نیاز برنامه ششم توسعه به موضوع زنان و خانواده اختصاص یافته است. در این ماده بر اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاستها، برنامه‌ها و طرح‌های دستگاه‌های اجرایی و بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان تاکید شده است. متن کامل ماده ۲۶ لایحه احکام مورد نیاز برنامه ششم توسعه کشور به شرح زیر است:

«به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی، اهداف سند چشم انداز و سیاست های کلی برنامه ششم مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه های اجرایی موظفند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاستها، برنامه ها و طرح های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود در آن چارچوب، براساس شاخصهای ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام نمایند»

در تعیین محورهای سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی لازم است رابطه آن با دو گفتمان جنسیتی موجود در برنامه توسعه چهارم و پنجم روشن و شفاف گردد. بررسی نقاط ضعف و قوت، و کاستی‌ها و افراط و تفریط‌های دوگفتمان پیشین نیز در شناسایی محورها و ابعاد برنامه جدید جنسیتی توسعه ضروری است.

نتیجه گیری

برداشت مجامع بین المللی از عدالت، بیشتر برابری فرصت‌ها را مدنظر قرار می‌دهد اما نگاه جمهوری اسلامی ایران به مساله عدالت خصوصا عدالت جنسیتی، رفع تبعیض است. در این رویکرد که با عنوان رویکرد عدالت جنسیتی یا استراتژی نهادگرا از آن یاد میشود، نه بر آسیب‌پذیر دانستن زنان تاکید می‌شود و نه بر نقش اقتصادی صرف آنها در توسعه، بلکه این رویکرد معتقد است باید زنان به عنوان عاملیت در توسعه و برخوردار از مواهب توسعه در نظر گرفته شوند.

در سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی به عنوان جایگزین مفهوم برابری جنسیتی، باید به ارتقاء جایگاه نامطلوب ایران در شاخص-های جنسیتی بین‌المللی، پاسخ‌دهی به مطالبات و انتظارات جامعه هدف(زنان)، و نقاط ضعف و قوت، و کاستی‌ها و افراط و تفریط‌های برنامه‌های توسعه پیشین در حوزه زنان توجه داشت.

مطالعات نشان می‌دهد رفع تبعیض و نابرابری در تمام عرصه‌های زندگی زنان از مهم‌ترین مطالبات آنان است. این مسئله از طرفی وقوف زنان به مسائل و مصائب خود و از طرف دیگر انتخاب صحیح رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌گذاری برای زنان را نشان می‌دهد.

برای آن که عدالت جنسیتی بتواند به موضوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل شود نیاز به آن است که گستره این مفهوم، و جوه اشتراک، افتراق، و رابطه آن با مفهوم برابری جنسیتی روشن شود و محورها و ابعاد آن مشخص شود. همین مسئله چالش نظری پیش روی سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی تلقی می‌شود.

دشواری‌ها و چالش‌هایی که سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی متوجه آنها خواهد بود در حال حاضر و در یک ارزیابی مقدماتی در ۴ بعد مشارکت اقتصادی، مشارکت در قدرت سیاسی، سلامت و آموزش تدوین شده است.

در حوزه مشارکت اقتصادی با نرخ بالای بی‌کاری زنان، بی‌کاری زنان دانش‌آموخته دانشگاهی، نادیده گرفته شدن سهم عظیم

خانه‌داری زنان در اقتصاد غیرپولی، و عدم وجود چارچوب قانونی برای ایجاد موازنه بین کار بیرون از خانه زنان و خانواده مواجه هستیم. حوزه مشارکت در قدرت سیاسی نیز با عدم حضور چشمگیر زنان در مسند قدرت مواجه است که حاصل انفعال زنان یا نگرش منفی آنان به مشارکت در قدرت نیست. دشواری‌های عرصه آموزش زنان، عدم تحقق عدالت جنسیتی در مقطع راهنمایی، همچنین عدم توازن جنسیتی در انتقال و تولید دانش، عدم توجه به آموزش‌های مهارتی و فنی زنان و مهم‌تر از همه ناکارآمدی تحصیلات دانشگاهی در حصول زنان به درآمد اقتصادی است. در حوزه سلامت علی‌رغم وضعیت نسبتاً مطلوب با شیوع سبک زندگی نامناسب مرتبط با سلامت مانند کم‌تحرکی، فقدان نقشه جامع سلامت، و کم‌توجهی به آموزش‌های فراگیر رسمی بهداشت بلوغ و بهداشت جنسی خانواده مواجه هستیم.

در صورتی که سیاست‌گذاری عدالت جنسیتی بتواند به برنامه‌ریزی و اقدام مؤثر در جامعه مبادرت ورزد می‌توان امید داشت که اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله محقق شود. در این راستا، بازنگری در قوانین، مقررات، و اقدامات اجرایی ضروری و آماده‌سازی زمینه‌ها و زیرساخت‌هایی که امکان و فرصت مشارکت بیشتر زنان را فراهم سازد الزامی است. همچنین عزم و اراده سیاسی دولتمردان در همه ارکان حکومت ضروری است تا جریان‌سازی موضوعات جنسیتی و کاهش شکاف جنسیتی بعنوان موضوع اولویت‌دار ملی تلقی شود و از آنجا که موضوع مربوط به نیمی از جمعیت کشور است، در دستور کار تمام وزارتخانه‌ها قرار گیرد. اصلاح ساختار مرجع ملی زنان در زمینه تقویت جایگاه حقوقی و قانونی آنها، بکارگیری نیروی انسانی متخصص و کارآمد و افزایش و ارتقای تشریک مساعی بین دست‌اندرکاران نیز ضروری است. اگر چه حکومت (شامل دولت، مجلس و قوه قضاییه) نقش بسیار مهمی در توانمندسازی زنان و کاهش شکاف جنسیتی و دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها دارند، اما همکاری و هم‌افزایی سایر بخش‌ها از جمله بخش خصوصی و جامعه مدنی شامل دانشگاهیان، گروه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی، سازمانهای غیردولتی بخصوص سازمانهای زنان و رسانه‌ها بسیار حیاتی است.